



۲۰۲۰/۰۱/۱۶

ملالی موسی نظام

این متعصبین با کی در جدال اند؟!

هموطنی به اسم آقای عبدالقیوم میرزاده که مدتیست اسم مبارک شان در مطبوعات به چشم میخورد، بحثی را اندر مذمت تعصب و اشخاص متعصب «؟!» پیش گرفته اند که سطور زیادی ازین ماجراء را صرف نثار بد و بیراه تکراری بر یک کتله به باور خودشان بسیار اقلیت نموده اند و درین راه از تکرار مکررات در هجو و سرزنش این گروه نهایت متعصب گنجهکار «؟!» ظاهراً خیالی دریغ نموده اند، طوریکه مانند دویدن بر روی دایره ایکه دونده صرف گمان میبرد که به منزل مقصود میرسد، صفحاتی، بی موجب در دشنام و بد و بیراه سیاه میگردد. به زعم ایشان این کتله نهایت کوچک و خطاکار که «نمی بخشد؟!» و هر آنچه را دیگران یعنی اشخاص بادیانت و شریف «؟!» باور دارند، رد میکنند و در حالیکه خودشان و حتی خانواده های شان آنقدر گناه نابخشودنی دارند، تعصب شان هر کسی را که مانند آنان فکر و باور نداشته باشد، مغضوب قرار داده، ملامت نموده، گنجهکار می شمارند. یقین منظور ایشان از باشندگان کشور ما است.

البته در تحریرات آقای میرزاده نوسانات بالا و پائینی هم موجود است که در اصطلاح مایان آنرا ضد و نقیض نویسی میگویند، طوریکه موجودیت همان اقلیت بسیار کوچکی که در بالا ادعا گشته، به قدرت خداوند نهایت بزرگ شده و در سطور پائینی، به تحریر ایشان روش و افکار همین متعصبین «؟!» مرموز گویا روز بروز فراتر گشته و «کران تا کران»... را فراگرفته و کاملاً موجبات عدم پیشرف و روشنگری و انکشافات فکری جوانان وطن را فراهم نموده است.

در دو مقاله آقای قیوم میرزاده بار ها از کلمات و لغاتی مانند «دگم اندیشی - دگم اندیش - منکر دگمشان - پاهین» و امثال اینان به تکرار ذکر شده که معنی ای برای شان نیافتم و آنرا به حساب کم دانشی خود گذاشتم. ولی در نوشته های آقای میرزاده آنچه به وفرت موجود است، همانا خشم پنهانی و بیش از حد و دو و دشنام بر یک جمعیتیست که همان طور که ذکر گردید گاهی گروهی مشتمل بر زن و مرد در آن بسیار در اقلیت قرار میگیرند و زمانی اکثریت بوده و با استعمال مکرر القابی چون کوردلان، متعصبین که از خانواده های مانند خودها بوجود آمده اند، دق دلی خویش را تسکین میدهند. آقای میرزاده طرفین متقابل را که اسمی ندارند، به هتله و مخالفین وی شبه میدانند، غافل از آنکه هنوز هم جنایتکاران هتلهی منحیث خاننین ملی به عدالت و محکمه کشیده میشوند و به جزای اعمال غیر ملی خویش میرسند.

حال، آنچه را از چنین استدلال سردرگمی درک مینماییم، باید آشکار گردد که این به زعم آقای میرزاده متعصبین سراپا گنجهکار که اجتماعات وطن را به ذلت و فلاکت کشانیده اند، به مقابل کدام گروه و کتله برگزیده و نخبه

ایشان عرض وجود نموده اند که چنین خشم و توبیخ طولانی ای را در قضاوت و ارزیابی اجتماعی ایشان سبب گردیده و موجبات قهر و غضب ایشان را سخت فراهم ساخته است؟! نکند پشتیبانی و حمایتی چنین بیباکانه که با توهین و مذمت بیدریغ بدرقه میگردد، در حق خاک فروشان قهار و جنایتکاران شناخته شده «خلق و پرچم» یعنی اعضای مزدور «حزب دیموکراتیک خلق» باشد که با نوکری و سرسپردگی آشکارا به اتحاد شوروی سابق خاک مقدس افغانستان، مملکتی آزاد، سربلند، با صلح و امنیت و غیر منسلک را علنی به دشمن فرختند؟!!

و اگر باشد، اعضای «حزب دیموکراتیک خلق»، این روسیاهان ابدی تاریخ که با تجربه و درایت علنی، ناکامی رژیم را در سرزمین هایی که اتحاد شوروی سابق به منظور حمایت از زحمتکشان «؟!» تحت پروگرام اقامار به اشغال خویش در آورده بود، تجربه نموده بودند و از رویای ناکام آن مظلومانی که با قرصی نان و دانه سیبی که با قطار های انتظار در جاده های مسکو و بلغاریه و امثال آن زیر یخبندان زمستان، انتظار می کشیدند، هم کاملاً مطلع بودند؛ در حالیکه اعضای کمیته مرکزی و بیرونی سیاسی با حیات تجملی و استثنایی در قطار موتر های سیاه لوکس، به صورت شاهانه به قصر کریمیلین تشریف میبردند.

بدون شک کثله و ایسته به سفارت شوروی در کابل، نیک میدانستند که ارزش انسانی، مذهب، آزادی های فکر و بیان و حتی ارتباطات انسانی خانوادگی در رژیم های کمونیستی معدوم میگردد، ولی ملت مسلمان و شریف افغانستان را بیشرمانه لایق آن کج روی ها و مظالم اجتماعی دانستند.

بلی همین اقلیت گمراه و خاک فروشان بی درایت بودند که سرزمین مردم بیدفاع افغانستان را دو دستی تقدیم دشمنی سفاک و بیرحم نمودند. این گروه خیانت پیشه موجبات ملیون کشته، بیشتر از ده ملیون آواره و صد ها هزار معیوب افغان را تا امروز فراهم نموده اند و بدون شک مجرمین واقعی حالت زار و اسفناک چهار قرن آتش و خون در سرزمین ما میباشند. بلی آقای عبدالقیوم میرزاده باید معترف گردند که آغاز بدبختی و نزول یک ملت شریف از همان اقدامی صورت گرفت که «جمعی اقلیت» دگر اندیش غیر ملی و ایسته به غیر موجبات تباهی کشور شان را فراهم نمودند، و این راهم باور بفرمایند که هیچ ملتی نمیتواند با عفو جنایتکاران، صفحات تاریخ را به فراموشی بسپارد.

بدون زره ای تردید، این جمیعتی که آقای میرزاده تاپه تعصب بر پیشانی آنان زده است، مردم مظلوم و بیچاره افغانستان است..... این متعصبین ما ملت افغان هستیم!!

به انتظار روز دادخواهی و اجرای عدالت در خاک مقدس افغانستان عزیز!

پایان

